

متن پرسش

هوالمجمل با سلام و عرض ادب: جناب استاد در زمینه سیر و سلوک بنده حقیر مطابق عقل ناقص خودم اینجور درک می‌کنم که در این مسیر ما باید ضمن قرار گرفتن در مسیر اهل بیت (ع) و رعایت دستوراتشان در دوران معاصر نیز باید امثال آقای قاضی، هاشم حداد، آیت اله طهرانی، علامه طباطبایی، آیت الله بهجت، حضرت امام خمینی، آیت الله جوادی آملی و کسانی که در این مسیر هستند را از نظر تعالیم و الگو مدنظر داشته باشیم. چون عرفان و سیر و سلوک این بزرگواران مبتنی بر عرفان اصیل اسلامی است و شکستن نفس و دوری از خود و منیت اصل اساسی در سیر و سلوک این علما بوده است. اما سوال اینجاست که در دورانهای معاصر ما افرادی مثل شیخ رجبعلی خیاط، حاج آقا دولابی و جعفر مجتهدی را هم داشته ایم که اتفاقاً جوانها به این بزرگواران هم اقبال زیاد نشان داده اند از بعضی گفتارها در مورد این عزیزان به این نتیجه رسیده ام که بعضا عده ای می‌گویند امثال این بزرگواران در مسیر تقویت نفس قدم برداشته اند نه در مسیر شکستن و مبارزه با نفس از طرفی بعضی از مطالب این عزیزان را که مطالعه می‌کنم می‌بینم چنان هم اینجئور نبوده. در آخر به نظرم می‌رسد صحبتی که می‌شود در مورد این بزرگواران یا افراد مشابه کرد این است که این افراد در مسیر سیر و سلوک با رسیدن به کشفیات و مکاشفات که بواسطه مجاهدت و ریاضت ها و توسل ها بدست آورده بودند متوقف شدند و نباید در مسیر سیر و سلوک، سیره این عزیزان برای جوانها مدنظر باشد. همچنین می‌خواستم بدانم آگه نظر به تقویت نفس بوده که بعضی از کارها را این عزیزان انجام می‌داده اند یعنی اذن خدایی در کار نبوده و یعنی چی؟ چون اینها آدم های با خدایی هم بوده اند. این سوال از آنجایی مهم است که بنده مشاهده می‌کنم در سیر و سلوک و عرفان جوانها به این روش دوم افراد آن بیشتر نظر دارند. ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر بنده به نتیجه‌ی خوبی رسیده‌اید که بدون اهانت به کسانی که بیشتر در کرامت‌ها متوقف‌اند؛ به توحید و سلوک توحیدی نظر کنیم. بالاخره این افراد هم اگر در تقویت قدرت نفس کوشیده باشند، از مسیر آموزه‌های اسلامی و ارادت به اهل‌البیت «علیهم‌السلام» خارج نشدند و از دستورات آن‌ها استفاده کرده‌اند. البته راه توحید، راه دیگری است. موفق باشید